

بخشی از خلاصه درس منطق

منبع: کتاب دوره منطق صوری (محمد خوانساری)

فصل اول: مقدمات

• **تعریف منطق:** معلومات انسان از دو طریق برای او حاصل می‌شود:

الف) **تجربه:** بخش وسیعی از اطلاعات و دانسته‌های انسان از طریق تجربه به دست می‌آید. مانند اینکه «آتش دارای حرارت است» یا فلزات در اثر حرارت منبسط می‌شوند.

ب) **تفکر و تعقل:** علاوه بر روش تجربی برخی از معلومات و اطلاعات جدید از طریق تفکر و تعقل به دست می‌آید. مثلاً با دانستن اینکه آتش دارای حرارت است و حرارت موجب انبساط فلزات می‌شود می‌توان نتیجه گرفت «آتش موجب انبساط فلزات می‌گردد.» با این مثال ساده به خوبی نشان داده شد ذهن انسان می‌تواند براساس اطلاعات قبلی خود به کشف دانشی جدید نائل شود. ۱

• به عقیده منطقیان متأخر؛ برای بیان تعریف منطق ابتدا لازم است با موضوع و فایده منطق آشنا شد.

علم و اقسام آن

• بعضی علم و آگاهی را جز تصورات بدیهی و مستغنی از تعریف دانسته آورده‌اند؛ علم از کیفیات نفسانی و وجدانی است که هر کس آن را به وضوح در خود می‌یابد. اما عده‌ای در مقام تعریف علم برآمده و گفته‌اند: علم عبارت است از صورتی از شیء نزد عقل (قوه مدرکه). مانند «علم به اینکه زمین کروی است» یا «مجموع زوایای مثلث مساوی با دو قائمه است».

دقت کنید: با این تعریف فرق عالم و جاهل در این است که در ذهن عالم، صوری به وجود آمده که ذهن جاهل



فاقد آن است. ۲

تست درون متنی ۱: معلومات انسان معمولاً از چه طریقی حاصل می‌شود؟

الف) تفکر و تعقل ب) تجربه

ج) کسب معرفت د) تجربه و تفکر و تعقل

علم حصولی و علم حضوری

دقت کنید: مقدمه شناخت علم: ۱- تعریف علم ۲- موضوع علم ۳- فایده علم ۴- مؤلف علم ۵- ابواب و مباحث



علم ۶- مرتبه علم یعنی مقام آن نسبت به علوم دیگر

دقت کنید: علم: حصولی: مدنظر منطق هر وقت در منطق علم گفته می‌شود مراد همان صورت حاصله در ذهن



است که از آن به علم حصولی تعبیر می‌شود / حضوری.



علم: تصور (بدیهی - ضروری / اکتسابی - نظری) / تصدیق (بدیهی - ضروری / اکتسابی - نظری)

• علم که دانش و آگاهی ما به اشیاء است بر دو قسم است:

۱. **علم حضوری:** یعنی علم مستقیم به خودشیء، عین واقعیت معلوم پیش عالم حاضر است و او را می‌یابد. مانند «علم باری تعالی به ذاتش و علم نفس به خود» ۱ بنابراین در علم حضوری واسطه‌ای میان عالم و معلوم در کار نیست.
۲. **علم حصولی:** در اینجا تنها مفهوم و تصویری از معلوم در قوه مدرکه انسان حصول و حضور دارد و نفس به واسطه آن صورت از موجودیت آن شیء آگاهی می‌یابد؛ به عبارت دیگر تصویری که ما از چیزی داریم، به واسطه وجود ذهنی آن است؛ از این‌رو از چیزی که در برابر ماست دور می‌شویم باز می‌توانیم آن را تصور کنیم، مانند «علم ما به آسمان، زمین، درخت و ...» ۲. در اینجا بین عالم و معلوم جدایی وجود دارد و علم ما به واسطه میانجی‌گری صورت ذهنی اتفاق افتاده نه به صورت مستقیم. توجه: این فایل رایگان نیست و منحصرًا برای سایت "بژیک" با آدرس اینترنتی www.bzhik.ir تهیه و تنظیم شده است. تمام حقوق مادی و معنوی این محصول، متعلق به سایت "بژیک" می‌باشد؛ هر گونه کپی برداری و انتشار غیر قانونی آن توسط افراد سودجو، پیگرد قانونی خواهد داشت؛ لذا بایستی مستقیماً از این سایت خریداری شود در غیر این صورت مسئولین راضی نمی‌باشند و حرام و حق الناس می‌باشد.

تصور و تصدیق

• علم حصولی عبارت است از حضور صورت اشیا، نزد عقل که این خود برخلاف علم حضوری بر دو قسم است:

۱. **تصور:** در لغت به معنای نقش بستن و صورت پذیرفتن است و در اصطلاح صورت ساده‌ای است که یک شیء بدون آنکه ذهن درباره آن حکمی کرده باشد؛ مانند تصور «کتاب، میز، درخت و ...». به این صورت‌های ذهنی مفهوم یا معنا گفته می‌شود.
- هنگامی که صورت ذهنی را در برابر منطق آن قرار می‌دهیم به آن مفهوم گفته می‌شود و هنگامی که آن صورت را در برابر لفظی حاکی از آن قرار دهیم معنا نام می‌گیرد.

تست درون متنی ۲: صورت ساده‌ای از یک شیء بدون آنکه ذهن درباره آن حکم کرده باشد نام دارد.

الف) تصدیق ب) تصور ج) علم حصولی د) علم حضوری

دقت کنید: اقسام تصور: الف - تصور واحد مانند تصور «سقراط». ب - تصور متعدد بدون نسبت تقلیدی یا

وصفی مانند تصور «خورشید و ماه». پ - تصور متعدد با نسبت تقلیدی یا وصفی مانند تصور «خانه حسن» (تقلید



اضافی) و «خانه بزرگ» (تقلید وصفی). ت - تصور متعدد با نسبت خبری که مشکوک فیه باشد مانند شک در اینکه

«حسن عالم است». ۴

دقت کنید: این فایل به عنوان بخشی از "دانلود نمونه رایگان قبل از خرید" در اختیار شما گذاشته شده است.



برای خرید و دانلود کامل به وبسایت بژیک مراجعه فرمایید. bzhik.ir

۲- تصدیق: تصدیق در لغت به معنای «راست شمردن» و «اعتراف کردن» است و به علمی گفته می‌شود که مشتمل بر حکم و



متضمن اسناد امری به امر دیگر است؛ مانند «زمین متحرک است» «حسن و حسین برادرند».



دقت کنید: نکته مهم آن است که قوام تصدیق به حکم است و هیچ قضیه‌ای فاقد حکم نیست.



دقت کنید: یکی از تفاوت‌های مهم تصور و تصدیق آن است که تصور امری ذومراتب و تشکیکی است و از شیء واحد می‌توان تصورات مختلفی داشت که از حیث شدت، وضوح و روشنی متفاوتند؛ یعنی برخی تصورها روشن‌تر از برخی دیگر است؛ مانند تصور ما از خورشید، عدل، بهشت و ... اما در تصدیق، امر منحصر در نفی و اثبات است و ذهن یا حکم به وجود نسبت می‌کند یا عدم آن. ۱



دقت کنید: اقسام تصدیق: الف) تصور محکوم علیه یا موضوع: یعنی آن چیزی که بر او حکم می‌شود. ب) تصور محکوم به یا محمول: یعنی آن چیزی که به موضوع اسناد داده می‌شود. پ) تصور نسبت محمول به موضوع.

• به طور مثال تصدیق به اینکه «زمین کروی است» مستلزم آن است که ابتدا «زمین» در ذهن بیاید و آنگاه تصور «کروی» و سپس تصور «نسبت کروی بر زمین».

تست درون متنی ۳: علمی که مشتمل بر حکم و متضمن اسناد امری به امر دیگر باشد چه نام دارد؟

الف) علم حصولی (ب) تصور

ج) علم حضوری (د) تصدیق



دقت کنید: تصورات سه‌گانه مذکور، اگرچه برای حصول تصدیق لازم است اما به تنهایی کافی نیست. وقتی علم به وقوع یا عدم وقوع نسبت حاصل شد، آنگاه تصدیق حاصل شده است. لذا تصدیق عبارت است از همین مرحله اخیر که اذعان به وقوع یا عدم وقوع آن باشد. ۲

اقسام تصور و تصدیق: علم حصولی، خواه تصور یا تصدیق بر دو قسم است: بدیهی و اکتسابی.

• بدیهی یا ضروری، تصور یا تصدیقی است که محتاج به تفکر و کسب نبوده، بلکه خودبه‌خود روشن و معلوم باشد و اکتسابی

یا نظری؛ تصور و تصدیقی است که انسان برای کسب آن نیازمند به فکر، تأمل و نظر است. ۳

• فکر و وقوع خطا در آن: حالات ادراکی آدمی که موجب علم و آگاهی ذهن می‌شود، بر دو گونه است:

الف) حالات ادراکی ابتدایی از قبیل احساس، ادراک، حفظ و تداعی. در ادراکات ابتدایی ذهن، بیشتر حالت پذیرنده دارد و مانند آئینه منفعل است و بدون دخل و تصرف صور مختلف را می‌پذیرد.

• در این حالات آدمی با حیوانات مشترک است.

ب) حالات ادراکی عالی از قبیل درک مفاهیم کلی، حکم و استدلال. همین‌که به وسیله ادراکات ابتدایی مواد لازم برای ذهن

حاصل شد، ذهن به تصرف در آن‌ها می‌پردازد، به آن‌ها سازمان می‌دهد و خود معلومات جدید کشف می‌کند. در این حال

ذهن فعال است و همانند یک معمار نخست مواد لازم را فراهم می‌سازد و آنگاه به آن صورت و سازمان مخصوص می‌بخشد.

